

مسائل آموزش کتابداری و اطلاع رسانی

دردانشگاهها

دکتر زهیر حیاتی^۱

چکیده

مسائل آموزش کتابداری و اطلاع رسانی در سطح کارشناسی ارشد در فضای آموزش عالی در چهار گروه دانشکده‌های کتابداری، برنامه‌های آموزشی، مدرسان و دانشجویان مورد بحث قرار می‌گیرد. مسئله عمده دانشکده‌های کتابداری، کوچک بودن اندازه است که سه راه حل برای آن ارائه می‌گردد. مشکل اساسی برنامه‌های آموزشی توجه بیش از حد به جنبه‌های عملی می‌باشد. کمبود مدرسان واجد شرایط برای تدریس برنامه‌های جدید و تربیت دانشجویان کارآمد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. جذب دانشجویان فاقد انگیزه به دانشکده‌های کتابداری مشکل دیگری است که خود موجب کمبود استادان زبده در آینده خواهد شد. با وجود اینکه مشکلات مذکور بزرگ هستند ولی لاینحل نیستند.

مقدمه

ویلیامسون^۲ در گزارش مشهور خود که در سال ۱۹۲۲ منتشر شد اعلام کرد که کتابخانه‌های عمومی فاقد توانایی لازم برای اجرای برنامه آموزش کتابداری حرفه‌ای می‌باشند. این اقدام منافع بیشماری را برای آموزش کتابداران حرفه‌ای به ارمغان آورد. او حتی پا را از این فراتر گذاشت و افزود زمان آن فرا رسیده که آموزش کتابداری حرفه‌ای در سطح کارشناسی ارشد ارائه شود. (ویلیامسون، ۱۹۲۳: ۸۸). علیرغم این واقعیت که آموزش کتابداری در دانشگاه‌های غرب دستاوردهای زیادی نصیب این رشته کرد ولی آنرا نیز با مسائلی روبرو نمود. عمده‌ترین این مسائل، به ویژه در سطح کارشناسی ارشد،

(۱) عضو هیأت علمی گروه کتابداری دانشگاه شیراز.

2. Williamson .

را میتوان در چهار گروه: دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی، برنامه‌های آموزشی، مدرسان کتابداری و دانشجویان به شرحی که در این متن مورد بحث قرار گرفته است دسته بندی کرد. بدیهی است که بقای آموزش کتابداری در دانشگاه‌ها و ادامه حیات آن به عنوان یکی از رشته‌های دانشگاهی مستلزم پرداختن جدی به این مسائل چهارگانه است.

دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی

اولین روش، ترکیب آنها با دانشکده‌هایی است که از نظر محتوای برنامه‌های آموزشی می‌توانند مکمل رشته کتابداری باشند. در زمان کنونی به خاطر استفاده‌های روزافزونی که از تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی توسط کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی می‌شود و بخاطر اهمیتی که آموزش جنبه‌های مختلف اطلاع رسانی در برنامه‌های آموزشی جدید کتابداری پیدا کرده است، پیشنهاد میشود که این مراکز با دانشکده‌های کامپیوتر و علوم اطلاعات ترکیب شوند. اما چون دانشکده‌های کامپیوتر و علوم اطلاعات از دانشکده‌های معتبر در دانشگاه‌ها میباشند و ترکیب آنها با دانشکده‌های کتابداری از امکان اندکی برخوردار است، اگرهم انجام چنین ترکیبی شدنی باشد خطر عمده متوجه دانشکده‌های کتابداری است، زیرا، اصول اساسی آن با خطر تغییر ماهیت و مبدل شدن به چند روش ساده کامپیوتری روبروست. افزون براین، در برخی از کتابداران و دانشجویان گرایش به رایانه‌ها و کاربردهای آن به حد زیادی دیده میشود. این شیفتگی ممکن است باعث دوری جستن آنان از آن نوع کتابداری شود که با عنوان کتابداری سنتی شناخته میشود. از این رو ادغام دانشکده‌های کتابداری با دانشکده‌های کامپیوتر

علوم اطلاعات ممکن است منجر به محوکامل دانشکده‌های کتابداری خصوصاً در کشورهای در حال توسعه شود.

در صورتیکه ترکیب شدن، روش مناسبی برای افزایش اندازه باشد دانشکده‌های دیگری هم در دانشگاهها وجود دارند که محتوای برنامه‌های آموزشی آنها با رشته کتابداری به خصوص با اصول اساسی آن قرابت زیادی دارد. نمونه چنین دانشکده‌هایی میتواند دانشکده مدیریت باشد. در حال حاضر تعداد زیادی از دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی در دنیا به خصوص در ایالات متحده و استرالیا تربیت مدیران اطلاعاتی را هدف برنامه‌های آموزشی خود به خصوص در سطح فوق لیسانس قرار داده اند. این برداشتهای نواز وظائف کتابداران حرفه‌ای تأثیرات عمده‌ای بر برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های کتابداری داشته است. بررسی نوشتار کتابداری نشانگر آن است که چنین گرایشهایی به پدیدار شدن مفاهیمی نوهمچون مدیریت اطلاعات^۳ انجامیده است. یادآور می شود که در سالهای اخیر دانشکده‌های مدیریت با نادیده انگاشتن دانشکده‌های کتابداری، خود به تربیت متخصصان اطلاعاتی اقدام کرده اند. چنین برنامه‌های آموزشی حتی در سطح دکتری نیز ارائه میگردد. بدیهی است که فارغ التحصیلان این دانشکده‌ها بخش مهمی از بازار کار جدید را که مولود تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی هستند به خود اختصاص خواهند داد.

ترکیب با دانشکده‌های مدیریت در عین اینکه میتواند مسئله پراکندگی در تربیت متخصصان اطلاعاتی را برای دانشکده‌های کتابداری حل نماید، به سلطه نسبی بر بازار کار اطلاعاتی نیز می انجامد. به علاوه، این برنامه‌های آموزشی به هدفهای اساسی تری نیز دست خواهد یافت و به افزایش کیفیت و فرار از کهنگی و فن زدگی که

موجب بیزاری مدرسان و دانشجویان شده است خواهد انجامید. اما این نوع ترکیب در عین حال که تلاش فکری شگرفی را از سوی دانشکده‌های کتابداری برای انجام نوآوری و تغییر در برنامه‌های آموزشی طلب می‌کند آنها را با مشکلاتی روبرو خواهد ساخت. این دشواریها عبارتند از تبدیل شدن به دانشکده‌ای درجه دوم یا بخشی کوچک از یک دانشکده معتبر.

دومین روشی که برای گسترش دانشکده‌های کتابداری پیشنهاد می‌شود روش یکپارچه سازی است. در این روش بدون اینکه به ادغام دانشکده‌ها و خطر استحاله دانشکده‌های کتابداری نیاز باشد میتوان رشته‌هایی را که از نظر حرفه‌ای، کاری مشابه رشته کتابداری انجام میدهند، مانند مطالعات آرشیوی و هنرهای مربوط به تولید کتاب، در کنارهم قرار داد و دانشکده‌ای به مراتب بزرگتر بوجود آورد. مشکل عمده اینگونه یکپارچه سازی در این است که رشته‌های مذکور در همه دانشگاه‌ها، به خصوص دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه وجود ندارند. علاوه بر این، هماهنگ نمودن فعالیتهای رشته‌های مذکور علیرغم این که در ظاهر دارای نقاط مشترک زیادی می‌باشند ولی پیشرفتهای نظری و فنی که در سالهای اخیر نصیب هر کدام شده مرزبندیهای مشخصی را میان آنها بوجود آورده است. به عنوان مثال در خلال سالهای نه چندان دور فعالیتهای آرشیوی از محدوده اسناد مکتوب اعم از چاپی و غیر چاپی گذشته و وارد کار با اشیاء موزه‌ای گشته است. بدین ترتیب آنها توانستند در مفاهیمی مانند "مارک" تغییراتی بوجود آورند، به طوریکه امروزه گفتگو درباره "ماوراء مارک" انجام میشود، نه "مارک". لذا زیر یک سقف قراردادادن چنین رشته‌هایی گرچه ممکن است برای مدت کوتاهی میسر باشد، اما در بلند مدت مشکلاتی را در پی خواهد داشت.

پیشنهاد سوم، ادغام چندین دانشکده کوچک کتابداری به منظور بوجود آوردن دانشکده‌ای به مراتب بزرگتر است. مشکل عمده این روش محو چند دانشکده از محیط دانشگاه‌ها می‌باشد و این ضربه جبران ناپذیری برای رشته کتابداری است که موقعیت فعلی خود را به دشواری به دست آورده است. مشکل این نوع ادغام کردن زمانی چند برابر خواهد شد که دانشکده‌ها در مناطق دور از هم واقع شده باشند. در حالت اخیر نه تنها مشکلات اداری بیشماری بوجود خواهد آمد بلکه دسترسی تعداد زیادی از داوطلبان را به دانشکده‌های مورد نظرشان دشوار خواهد ساخت. لذا انجام این روش ممکن است به افزایش تعداد داوطلبان حتی در ایران که دولت یارانه‌های متنوعی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد به کاهش دانشجویان بیانجامد. در دوران انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹ - ۱۳۶۱) که موجودیت و بازگشایی رشته کتابداری در دانشگاه‌ها زیر سؤال رفت، پیشنهادی برای ادغام بخش کتابداری دانشگاه شیراز با یکی از گروه‌های کتابداری دانشگاه تهران مطرح گردید. اما هنگامیکه دانشگاهها از حالت عادی برخوردار شدند، دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه شیراز، چنین تفکری را به فراموشی سپرد.

(Bookstien, 1986: 367)

فائق آمدن بر دشواریها در فضای علمی دانشگاه‌ها نیازمند اتخاذ تدابیر خاص از سوی دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌باشد. دبلیو. بوید. ریوارد^۴ استاد کتابداری دانشگاه نیوساوت ولز استرالیا بیان می‌دارد که "به هیچوجه نمیتوان مشکلات دانشکده‌های کتابداری برای توسعه روابط پویای بین سازمانی را کوچک شمرد. مشکلاتی که ممکن است با تغییر برنامه‌ها و اعضای هیئت علمی بر آنها فائق آییم." (In a work edited by P.Spyres, 1985: 100 - 1).

فضای دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی در گرو شناسائی مسئولیتهای این دانشکده‌ها می‌باشد.

از دو دهه پیش دانشکده‌های کتابداری در بسیاری از کشورهای دنیا با مشکل پائین آمدن میزان تقاضا برای تحصیل در رشته کتابداری روبرو شده‌اند. به عنوان مثال این مشکل در ایالات متحده در سالهای پایانی دهه ۸۰ و در کشوری مانند استرالیا در سالهای اخیر به وقوع پیوسته است. البته مشکل بقا برای دانشکده‌های کتابداری در کشورهای مذکور هنوز باقی است. منتهی نوع مشکل اندکی متفاوت شده است. در حال حاضر مشکل اساسی دامنگیر دوره‌های عالی مانند دوره‌های دکتری شده است که با کمبود متقاضی روبرو شده‌اند. تعدادی از دانشکده‌های کتابداری در ایالات متحده و استرالیا مجبور به بستن دوره‌های دکتری خود شده‌اند.

ماریون پاریس^۵ در رساله دکتری خود این باور را که تنها دلیل بسته شدن دانشکده‌های کتابداری در دانشگاه‌ها به خاطر کاهش تعداد ثبت نامها بوده است رد می‌کند. او می‌گوید که فقدان تارهای ارتباطی بسیار پیچیده میان دانشکده‌های کتابداری با سایر دانشکده‌ها و بخشهای دانشگاه می‌تواند علت بسته شدن دانشکده‌های کتابداری باشد. وی می‌افزاید فقدان تعامل در محیط دانشگاه یا احساس انزوا و تلاش بر سر حدود و ثغور فعالیتهای آموزشی می‌تواند دلایل بسته شدن باشد. (In a work by R.K.Gardener, 1987: 37 - 8) پائین بودن روحیه همکاری در میان اعضای هیئت علمی دانشکده‌های کتابداری برای انجام طرحهای پژوهشی و تدریس گروهی چه در میان خود و چه با اعضای هیئت علمی سایر گروههای

5. Marion Paris .

آموزشی که دارای زمینه‌های مشترک با آنها هستند، مانند دانشکده‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و کامپیوتر و اطلاع رسانی نه تنها سقوط کیفیت برنامه‌های آموزشی را سبب گردیده بلکه استحاله تدریجی دانشکده‌های کتابداری را نیز در پی خواهد داشت. کرونین^۱ بیان می‌دارد در صورتیکه دانشکده‌های کتابداری بخواهند از خطر بسته شدن در امان بمانند لازم است برنامه‌های آموزشی را تدوین نمایند که در به اشغال در آوردن بازار کار مؤثر واقع شوند. (17: 85) گرچه پیشنهاد کرونین در جهت جلوگیری از به تعطیل کشیده شدن دانشکده‌های کتابداری میتواند مؤثر واقع شود ولی رقابت شدید سایر رشته‌ها را برخواهد انگیخت. رقابتی که ماریون پاریس از آن به نام "جنگ بر سر سرزمین" نام می‌برد. (in a work by Gardner, 1987: 38)

بر اساس نظر ماریون پاریس "جنگ سرزمین" زمانی به وقوع خواهد پیوست که عنوان و محتوای دوره‌های آموزشی وارد قلمرو سایر رشته‌های دانشگاهی، مانند رشته مدیریت، علوم کامپیوتر و نظام‌های اطلاع رسانی شود. (2- 41: Gardner, 1987) آنچه دانشکده‌های کتابداری را در معرض خطر قرار می‌دهد از سوی گسترش دوره‌ها نیست بلکه از ناتوانی دانشکده‌های مذکور در تعریف محتوای برنامه‌های آموزشی و محدوده‌های آنها می‌باشد. آنها همچنین از تعریف محتوای برنامه‌های آموزشی کتابداری حرفه‌ای قاصرند. همانند کرونین، گاردنر بر این باور است که پس از یک قرن که از عمر آموزش کتابداری میگذرد زمان آن فرارسیده که این نوع آموزش سیاست، محتوا و محدوده‌های دوره‌های آموزشی را به دقت تعریف کند. (Gardner, 1987:)

باور عموم کتابداران شاید این باشد که دانشکده‌ها و دوره‌هایی که اعتبار^۷ آنها و گواهینامه‌هایشان به رسمیت شناخته شده باشد از خطر سقوط یا تعطیلی مصون هستند. اما استیگ^۸ ایده دیگری دارد. او بیان می‌کند که در میان دانشکده‌ها و دوره‌های تعطیل شده نمونه‌هایی بوده اند که اعتبار خود و مدارکشان با مشکلی مواجه نبوده است. وی همچنین می‌گوید آنچه که برای کتابداران و سازمانهای حرفه‌ای آنها خوب است ممکن است با استانداردهای دانشگاهی برای خوب بودن تناسبی نداشته باشد. مانند گاردنر، استیگ بیان می‌دارد که تعریف درست کتابداری و حرفه مربوط به آن می‌تواند راهنمایی مناسب برای پذیرش دانشجو، استخدام مدرس، تدوین برنامه‌های آموزشی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی باشد (4 - 22: 1992).

شهرت دانشکده‌های کتابداری عامل مهمی است که بر موفقیت‌های آموزشی، کیفیت دانشجویان و مدرسان و جلب و جذب بودجه‌های پژوهشی تأثیر عمده‌ای دارد. پاره‌ای از دانشکده‌ها به اشتباه اشتها کم دانشکده‌هایشان در محیط دانشگاه را به باور اجتماعی از کتابدار نسبت می‌دهند. حال آنکه کونت^۹ اظهار می‌دارد که دانشکده‌های کتابداری فراموش کرده اند که دانشجویان یا کتابداران آینده بیشتر معلول هستند تا علت. لذا، چنانچه بخواهیم به دشواریهای این دانشکده‌ها در محیط آموزش عالی پی ببریم آنها را باید در خود دانشکده‌های کتابداری جستجو کنیم (Conant, 1980: 52).

7. Accreditation .

8. M.F.Stieg .

9. R.Conant .

برنامه‌های آموزشی

ماهیت آموزش کتابداری نیز موردی است که ضرورت دارد در باره آن به نقادی پرداخت. گرچه در سالهای گذشته تلاشهایی از سوی دانشکده‌های کتابداری برای تمایز بین آموزشهای حرفه‌ای کتابداری و آموزشهای مورد نیاز برای انجام کارهای کارمندی کتابخانه‌ها صورت گرفته است ولی چنین تلاشهایی برای رسیدن به هدف نهایی کافی به نظر نمی‌رسد. یکی دیگر از موانع رشد آموزش کتابداری این باور عامه است که کتابداری اغلب انجام کارهای کارمندی می‌باشد. متأسفانه دانشکده‌های کتابداری وسایر مؤسسات حرفه‌ای اقدامات بایسته‌ای برای ممانعت از رشد چنین طرز تفکری بعمل نیاورده‌اند یا اگر کاری انجام داده‌اند کافی به نظر نمی‌رسد (ویلیامسون، ۱۹۲۳: ۲۷-۳۲).

کرونین می‌نویسد که کتابداری به خاطر ماهیت میان رشته‌ای که دارد دانشها و فنون متعددی را از رشته‌های مختلف اخذ می‌کند. لذا برای مدرسان این رشته دشوار است که تصمیم بگیرند چه مطالبی وارد برنامه‌های آموزشی شود یا از آنها خارج گردد بدون این که از قابلیت‌های برنامه‌ها کاسته گردد. او می‌افزاید که بسیاری از دانشکده‌ها قادرند که تغییرات مورد نیاز جهت هماهنگی با دگرگونی‌های فن آوری را انجام دهند (20: 1985). مدرسان کتابداری توانایی تدریس بسیاری از دروس معمولی رشته کتابداری را دارند. حتی عده‌ای با گذشت زمان قدرت ارائه دروسی در اطلاع رسانی را نیز به دست آورده‌اند. اما هنوز در برنامه‌های آموزشی درسهایی وجود دارد که مدرسان کتابداری از عهده تدریس آن به خوبی بر نمی‌آیند (The Library and Information Science Council, 1986: 22-4).

لزوم تعریف حرفه کتابداری از آنجا بر می‌خیزد که تمایزی میان آموزش حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای وجود ندارد، همچنان که میان مشاغل حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در کتابخانه‌ها

تمایزی نیست. دانتون بیان می دارد که دانشکده های کتابداری با معمائی روبرو هستند که ناشی از ناتوانی کتابخانه ها در تمایز میان کارهای حرفه ای و کارمندی می باشد (20: 1946). شاید اکنون برای حرفه کتابداری و کتابخانه ها تمایز میان کارهای حرفه ای و غیر حرفه ای دشوار نباشد. مشکل اساسی در کتابخانه ها تمایز میان کارهای تخصصی و غیر تخصصی است که افراد حرفه ای انجام می دهند.

کونت تأکید می کند که دانشکده های کتابداری باید دانشهای اساسی را به دانشجویان بیاموزند. در دانشهای اساسی چه چیزی باید به دانشجویان آموخته شود یا اساساً دانشهای اساسی از چه مطالبی تشکیل می شود. این مقوله مورد توجه دیگر دانشمندان رشته کتابداری، مانند بوید ریوارد نیز قرار گرفته است. او می پرسد که در یک فرصت کوتاه که در اختیار دانشکده های کتابداری است چه مطالبی را باید آموخت که برای نخستین روزی که کتابدار به استخدام در می آید برای شغل وی مناسب باشد (103: 1985). او اظهار نظرهایی که توسط کتابداران مختلف در مورد محتوا دوره ها و کیفیت فارغ التحصیلان شده است را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. وی با ایده بعضی از کتابداران که خواستار جداسازی آموزشهای تخصصی کتابداری از آموزشهای عمومی هستند به مخالفت بر می خیزد.

از نظر کونت دانشهای اساسی که در برنامه کارشناسی ارشد باید آموخته شود شامل اصول بنیادین و کارهای تخصصی است که در بخشهای مختلف کتابخانه ها انجام میشود (5 - 23: 1980). اما ریوارد افق بازتری را فراروی برنامه های آموزشی میگذراند. او تأکید میکند که برنامه های آموزشی باید پاسخی به نیازهای عمومی حرفه کتابداری برای تحقیق باشد. او همچنین تعالیم حرفه ای که حاوی نظریه ها و اصول بنیادین می باشند را

نیز در زمره وظایف برنامه‌های آموزشی می‌داند. وی می‌افزاید که برنامه‌ها باید مهارت‌های مختلف برای کاردر کتابخانه‌ها را نیز به دانشجویان بیاموزند (105: 1985).

برای پی بردن به محتوایی که برنامه‌های آموزشی کتابداری باید داشته باشد میتوان به تعاریفی که در طول تاریخ از کتابداری و کتابدار شده است توسل جست. این شیوه‌ای است که استیگ پیموده است. او دو تعریف را ارائه می‌دهد، یکی تعریفی تاریخی است و دیگری تعریفی است که توسط انجمن کتابداران امریکا ارائه شده است. در تعریف تاریخی، کتابدار متخصصی است در نگهداری یا مدیریت کتابخانه و کتابداری وظیفی است که به چنین فردی محول شده است (3: 1992). با توجه به اهمیت، مفهوم و نقش جدیدی که اطلاعات یافته است انجمن کتابداران امریکا تعریف متفاوتی از کتابدار و کتابداری بیان می‌کند.

"حرفه کتابداری توجه به کاربرد دانش موجود در رسانه‌ها و اصول، نظریه‌ها، فنون و فن‌آوری‌هایی دارد که به استقرار، حفاظت، سازماندهی و بکارگیری مجموعه کتابخانه‌ها و اشاعه اطلاعات از طریق رسانه‌ها کمک می‌کنند" (3: 1992: Stieg).

همانگونه که استیگ دریافته است تعریف انجمن کتابداران امریکا تاکید بر این دارد که کار کتابخانه‌ها جریانی است ناگسسته و وظیفه اصلی آنها فراهم‌آوری نیازهای اطلاعاتی است. بر خلاف بینش تاریخی کتابداری نوین توجه عمده‌ای به مکان و ابزارهایی که باید بکار برده شوند ندارد. توجه کتابداران حرفه‌ای بیشتر به اطلاعات و کارهای مربوط به آن است. دگرگونی‌های فوق‌همچنین نامها و عناوین جدیدی، مانند متخصصان اطلاعات یا مدیران اطلاعات را به ارمغان آورده است.

هرچند که حدود و ثغور نامهای جدید به طور کامل مشخص نشده است و مسجل هم نیست که عنوانهای مذکور تنها در انحصار کتابداران حرفه‌ای باشد. اما تغییرات، افق‌های تازه‌ای به روی دانشکده‌های کتابداری گشوده است و بر امید آنها برای فائق

آمدن بر دشوارهاییکه در محیط دانشگاه‌ها دارند افزوده است. دانشکده‌های کتابداری شاید بتوانند با توجه به مفهوم اطلاعات مرزهای فعالیت خود را گسترش داده و بر مبنای آن برنامه‌های آموزشی جدیدی را تدوین نمایند. بدیهی است که برنامه‌های جدید تغییرات شگرفی را در پذیرش دانشجو و استخدام مدرسان بوجود خواهد آورد. چنانکه کرونین اعلام میدارد مدیر اطلاعات متخصصی پویا و آگاه به حرفه است که در ضمن دارای پیشینه بازرگانی که جزو جدایی ناپذیر شغل او است نیز می باشد. لذا چنین شغلی دارای موقعیت والاتری نسبت به کتابدار می باشد (18: 1985).

راه حل احتمالی برای مسائل آموزش کتابداری را شاید بتوان در این گفته‌ها چینهز یافت که شیفتگی به کارهای عملی باید از آموزش کتابداری در دانشگاه‌ها خارج شود. هاجینهز بیان می دارد که علاقمندی شدید به کارهای عملی به بیهودگی و انزوای انجامد (In Boyd Rayward, 1983: 1315). وی براین اساسکه آموزش کتابداری حرفه‌ای باید اصول بنیادین و نظریه‌های اساسی این رشته را بیاموزد به این نتیجه می رسد که آموزش حرفه‌ای نباید برتری را به آموزش‌های عملی بدهد. او می افزاید که گرچه در دانشگاهها دانشجویان می آموزند که چگونه خدمات و کارهای مختلف را انجام دهند اما در چنین محیط هائی باید به آنها محتوای فکری حرفه آموخته شود. به افراد حرفه‌ای همچنین باید چگونگی انجام پژوهش‌های با اهمیت را آموزش داد.

دانشکده‌های کتابداری در دانشگاه‌ها، بخصوص در دانشگاه‌های بزرگ که اهمیت زیادی به کارهای پژوهشی می دهند با بحران هویت روبرو می باشند. سئوالی که این نوع دانشگاه‌ها با آن روبرو می باشند این است که آیا وجود دانشکده‌های کوچکی مانند

دانشکده‌های کتابداری با تأکید زیادی که به انجام کارهای عملی دارند ضرورتی دارد؟ دانشکده‌ها ورشته کتابداری برای این که به عنوان یکی از واحدها و رشته‌های دانشگاهی شناخته شوند با مشکل فقدان دانشهای مبنا مواجه هستند (9: Stieg, 1992).

کتابداری همیشه بخاطر برخوردار نبودن از دانشهاییکه توجیهگر فعالیتهای حرفه‌ای آن باشد مورد انتقاد بوده است. در دهه ۱۹۲۰ که آموزش کتابداری وارد دانشگاه‌ها گردید این تردید وجود داشت که با توجه به مشکلی که در فوق به آن اشاره رفت آیا آموزش کتابداری می تواند رشته‌ای دانشگاهی در سطح فوق لیسانس باشد. استیگ میگوید که حرفه‌های اطلاعاتی مانند کتابداری باید دانش مبنا را از دانشهایی بگیرند که برای انجام کار لازم می باشند. لذا از این لحاظ کتابداری حرفه‌ای از سایر رشته‌های سنتی دانشگاه، مانند تاریخ و فیزیک که بنیان آنها بر یافته‌های فکری است نه کارهای عملی متفاوت می باشد. او به این نتیجه می رسد که دانشهاییکه توجیه گر اعمال مختلف در کتابداری هستند دانشهای مبنای آن را نیز تشکیل می دهند. اما همیشه در میان کتابداران در این که دانشهای مذکور کدامند اجماع وجود ندارد (9: Stieg).

کتابداری نه تنها باید مجموعه‌ای از اصول و نظریه‌های خاص خود را بوجود آورد، بلکه دانشهایی را که با اصول و نظریه‌های مذکور و فعالیتهای مختلف آن هماهنگی دارند را نیز باید بازسازی نموده و در زمره دانشهای مبنایی خود قرار دهد. تغییراتی که در سالهای اخیر در فن آوریهای اطلاعاتی رخ داده به اندازه‌ای سریع بوده که تمایز میان دانشهایی که ساختار دانشهای مبنای کتابداری را تشکیل می دهند را دشوار ساخته است. ابراهام کاپلان بیان می دارد: برای این که بتوان بنیان استواری را برای این رشته بوجود آورد، کتابداری که دارای بنیانی انسانی با پاره‌ای از عناصر عملی است باید بر

رشته‌هایی که دانشهای افضل نامیده می‌شوند استوار گردد. دانشهایی مانند ریاضیات، منطق، زبانشناسی و تئوری اطلاعات (In a work by Stieg, 1992:9).

مدرسان کتابداری

داشتن موقعیت دانشگاهی به سادگی اعمال استانداردهای دانشگاهی را تداعی می‌کند (Danton, 1946: 15). لذا استخدام اعضای هیئت علمی و ترفیعات آنها در دانشکده‌های کتابداری و همچنین احترامی که آنها از سایر اعضای هیئت علمی انتظار دارند به صورت مستقیم بستگی به بودجه‌های پژوهشی جذب شده، کیفیت آثار منتشر شده، خدمت به جامعه علمی و شهرت اجتماعی دارد (Gardner, 1987: 40). شاید هماهنگی با استانداردهای دانشگاهی برای تصدی مناصب دانشگاهی برای مدرسان کتابداری دشوار باشد. مدیران دانشگاه و اعضای هیئت علمی در دانشکده‌هایی که تدریس دروس سنتی دانشگاهی را بر عهده دارند نگرششان نسبت به رشته‌های حرفه‌ای، مانند کتابداری همسان نظری است که آنها در مورد فارغ التحصیلان این رشته‌ها دارند.

دانشکده‌های کتابداری علیرغم ارائه برنامه‌های آموزشی متنوع و ماهیت میان رشته‌ای که دارند هنوز موفق نشده‌اند که نظر مثبت همکاران خود در دانشکده‌هایی که از ماهیت علمی بالاتری برخوردار هستند را جلب نمایند. دانشکده‌ها بندرت برای هر درس بیش از یک مدرس دارند و مدرسان مذکور هم بیشتر از میان کتابداران حرفه‌ای انتخاب می‌شوند. مشخصه بارز چنین مدرسانی مهارت در دانستن فنون کتابداری است نه داشتن آمادگی جهت انجام تحقیق و نوآوری. لذا تشکیل گروه‌های پژوهشی در دانشکده‌های کتابداری بر خلاف سایر رشته‌های دانشگاهی دشوار می‌باشد. به طور

معمول اعضای هیئت علمی دانشگاه از دانشکده‌های کتابداری انتظارات کمی دارند چه کارهای پژوهشی انجام دهند و چه ندهند (62 - 361: Bookstien, 1986).

انتقاد از مدرسان کتابداری مقوله تازه‌ای نیست و به گذشته‌ها باز می‌گردد. دانتون اظهار می‌دارد که کیفیت اعضای هیئت علمی در دوره‌های کارشناسی ارشد تفاوت چندانی با کیفیت مدرسان دوره‌های کارشناسی ندارد (10: 1946). وی بیان می‌دارد که آموزش کتابداری در دنیای معاصر نیاز به اندیشمندانی دارد که بتوانند دانشجویان را در دوره‌های عالی هدایت نمایند. کتابخانه‌ها با مشکلات و مسائلی روبرو هستند و می‌شوند که حل آنها نیازمند تحقیق است، اما متأسفانه کتابداران نمی‌دانند آن را چگونه انجام دهند. این مشکلی است که به دوران تحصیل آنها در دانشکده‌های کتابداری برمی‌گردد. در صورتی که گروهی از مدرسان کتابداری علاقمند به آموزش چگونگی انجام تحقیق به دانشجویان باشند توانایی انجام آن در آنها بسیار کم می‌باشد. علیرغم این حقیقت که کیفیت اعضای هیئت علمی در دانشکده‌های کتابداری به مراتب بهتر از گذشته است و دانشکده‌ها سعی می‌نمایند مدرسانی را که از دانش بالاتری برخوردار هستند به استخدام در آورند ولی انتظار عمومی این است که کیفیت اعضای هیئت علمی از این هم بهتر شود.

مان می‌گوید عدم توانایی دانشکده‌های کتابداری به عدم تمکن مالی آنها در استخدام اعضای هیئت علمی با کیفیت عالی مربوط می‌شود (12: 1946: in a work by Danton). ریوارد بیان می‌کند که کوچک بودن دانشکده‌ها نه تنها مشکلاتی را از نظر بودجه بوجود می‌آورد، بلکه سبب می‌شود که دانشکده‌ها نتوانند آنطور که باید از مدرسان خود حمایت کنند و احترام بیشتری برای آنها کسب نمایند (16-13: 1983). او می‌افزاید دانشکده‌ها برای خنثی نمودن فشارهایی

که کوچک بودن بر آنها تحمیل می کند بسوی حرفه یا مؤسسات علمی حرفه‌ای که از آنها قدرتمندتر هستند متمایل می شوند.

مدرسان کتابداری تلاش می نمایند که در کتابخانه‌ها و انجمن‌های علمی مناصبی را تصاحب نمایند و بدین طریق بر احترام حرفه‌ای و اجتماعی خود بیفزایند. غافل از این که احراز چنین مناصب اداری بر پیکر نحیف دانشکده‌های کتابداری ضربه می زند و موجب تنزول کیفیت برنامه‌های آموزشی می شود. دانتون می گوید برای جلوگیری از این پدیده لازمست که دانشکده‌های کتابداری مدرسانی را به استخدام در آورند که بیشتر در رده‌های استادی و دانشیاری باشند (11: 1946). آنچه ریوارد و دانتون از آن گفتگو می کنند در شرایط علمی و اجتماعی مغرب زمین محقق می شود نه در کشورهای در حال توسعه، مانند ایران که تصاحب مشاغل اداری نه تنها بار منفی برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها ندارد بلکه راه آنها را در دستیابی به رده‌های علمی بالاتر مانند دانشیاری و استادی نیز هموارتر می کند.

استخدام اعضای هیئت علمی در دانشکده‌های کتابداری به خاطر کوچک بودن دانشکده‌ها و همچنین کوتاهی مدت تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد با دشواری صورت می گیرد. فارغ التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد با پایان گرفتن تحصیلشان در این دوره‌ها به عنوان کتابدار حرفه‌ای به استخدام کتابخانه‌ها در می آیند. معمولاً بعد از چند سال کار و اندوختن تجربه تعدادی از آنها بار دیگر برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشکده‌ها باز می گردند. بعد از گذراندن موفقیت آمیز این دوره‌هاست که آنها شایستگی می یابند که در زمره داوطلبان استخدام در دانشکده‌های کتابداری در آیند. حال آن که این روند در دیگر رشته‌های دانشگاهی چنین نیست. آنها دانشجویان خود را از مراحل مختلفی می گذرانند و مورد آزمون قرار می دهند و در نهایت آنهایی را

به عنوان عضو هیئت علمی نامزد می کنند که توانایی بیشتری برای ادامه تحصیل و نوآوری داشته باشند (Rayward, 1983: 1316 - 17).

کنکاش در مشکلاتی که دانشکده‌های کتابداری با آنها روبرو هستند نشان می‌دهد که احتمالاً دشواریها باید ناشی از وجود مدرسانی باشد که از توانایی لازم برخوردار نیستند. ریوارد بیان می‌دارد در صورتی که بخواهیم فارغ التحصیلانی داشته باشیم که در محیط کار از عهده یافتن مسائل، تجزیه و تحلیل آنها و ارائه راه حل برای آنها برآیند یا قادر به انجام پژوهشهای برجسته باشند، لازم است که دانشکده‌ها استادانی را در استخدام داشته باشند که توانایی پرورش چنین دانشجویانی را داشته باشند (1985: 108). بدون شک دانشجویانی که توسط چنین استادان و برنامه‌هایی فارغ التحصیل می‌شوند داوطلبان شایسته‌ای برای دوره‌های دکتری خواهند بود.

مشکلی که اکثر دانشکده‌های کتابداری در همه جای دنیا با آن مواجه هستند استخدام مدرسان واجد شرایط برای تدریس دروس اطلاع رسانی می‌باشد. گرچه تعداد داوطلبان تدریس در بقیه زمینه‌ها نیز زیاد نیستند. با وجود این که مشکل مذکور جنبه جهانی دارد ولی شدت آن در کشورهای پیشرفته مانند کشورهای جهان سوم نیست. از سوی دیگر امکاناتی که در دانشگاه‌ها و سازمانهای تحقیقاتی کشورهای پیشرفته وجود دارد امکانات بازآموزی فراوانی را در اختیار دانشکده‌های کتابداری می‌گذارد. متأسفانه تعداد دوره‌های دکتری کتابداری به خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار کم می‌باشد. در ضمن این دوره‌ها از تنوع تخصصی لازم نیز برخوردار نیستند تا بتوانند فارغ التحصیلانی داشته باشند که از عهده تدریس دروس متنوع اطلاع رسانی در برنامه‌های آموزشی برآیند.

راه آسان و ساده‌ای که به طور معمول در اختیار رؤسای دانشکده‌های کتابداری است استخدام فارغ التحصیلان رشته‌های دیگر، مانند کامپیوتر و اطلاع رسانی می باشد. استخدامهای مذکور گرچه به ماهیت میان رشته‌ای بودن رشته کتابداری کمک می کند و احتمالاً پیوندهای آنرا با سایر رشته‌های دانشگاهی مستحکم تر می گرداند اما برای دانشکده‌های کتابداری بدون مشکل نخواهد بود. این گروه از اعضای هیئت علمی با ماهیت، اصول و هدفهای رشته کتابداری آشنا نیستند. علاوه بر این آنها دروس مربوط به رایانه‌ها و اطلاع رسانی موجود در برنامه‌های دانشکده‌های کتابداری را به شیوه‌ای تدریس میکنند که در برنامه‌های آموزشی خاص رشته‌های خود فرا گرفته اند. استادان مذکور در صورتی که مایل باشند توانایی ایجاد هماهنگی لازم با نیازمندیها و خواسته‌های برنامه‌های آموزش کتابداری و اطلاع رسانی را دارا می باشند. گرچه بدون شک کسب آمادگی به زمان نیاز دارد. مشکل دیگر که بیشتر جنبه روانی دارد حس خود برتر بینی افراد مذکور است که پذیرند با کسانی همکار شوند که تا چندی پیش خود و رشته‌شان را در حد بسیار پایینی می دیدند (Rayward, 1985: 109).

دانشجویان کتابداری

مسئولیت‌های دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی در قبال انتظارات زیادی که در مورد پذیرش دانشجو و محتوای برنامه‌های آموزشی ابراز گردیده توسط ام.اف.استیگ مورد بحث قرار گرفته است (۱۸: ۱۹۹۲). چنانچه بپذیریم که یکی از خدمات مهم دانشکده‌ها به خدمت گرفتن دانشجویان توانا و مستعد است اهمیت پذیرش دانشجو و شرایط آن بر ماروشن خواهد شد. در کشورهایی مانند ایالات متحده و استرالیا که طول دوره کارشناسی ارشد یکسال حتی در ایران که چنین دوره‌هایی در زمان طولانی تری

نسبت به کشورهای مذکور ارائه می شود فرصت کافی برای تربیت کتابداران حرفه‌ای واجد شرایط در اختیار دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی نمی باشد. شاید عاملی که بتواند برنامه‌های آموزشی را با موفقیت همراه کند انتخاب دانشجویانی است که ضمن برخورداری از دانش مورد نیاز از توان و استعداد بالایی نیز بهره برده باشند (ویلیامسون، ۱۹۲۳: ۲۶). علیرغم تلاشهایی که از سوی دانشکده‌های کتابداری در اکثر دانشگاه‌های دنیا برای پذیرش دانشجویان مستعد صورت می گیرد شاید به دشواری بتوان نقاط مشترکی را میان آنها یافت. دانشکده‌های کتابداری فاقد ضوابط مشخص و علمی برای اعمال در آزمونها و مصاحبه‌هایی هستند که به منظور پذیرش دانشجو صورت می گیرد. در کشورهایی مانند ایران که از نظامهای متمرکز پذیرش دانشجو پیروی می شود این امکان وجود دارد که ضوابط تعیین شده با گروه‌های بزرگتر، مثلاً علوم انسانی که رشته کتابداری در آن قرار دارد تطابق داشته باشد. اما مشکل اصلی پیدا نمودن ارتباط میان این ضوابط با شایستگی‌های مورد نیاز در دانشکده‌های کتابداری می باشد (N. Ansari, in a work by Z. Hayati, 1996:273). عباس حری می نگارد که میان تستهایی که در آزمون سراسری به داوطلبان ورود به رشته کتابداری داده می شود و دروسی که در این رشته تدریس می شود ارتباطی وجود ندارد. او این نکته مهم را متذکر می شود که ما در ایران فاقد ضوابط مشخص برای پذیرش دانشجوی کتابداری در همه سطوح آموزشی می باشیم (In a work by Z. Hayati , 1996: 273).

ادراک عمومی از کارهای کتابداری که بر روی پذیرش دانشجو در دانشکده‌های کتابداری تأثیر شگرفی می گذارد در کنفرانسی که در مورد آموزش کتابداری در دانشگاه پرینستون امریکا برگزار گردید مورد بحث قرار گرفت. در این کنفرانس چنین تجزیه و تحلیل گردید که مشوق اصلی کسانی که جذب برنامه‌های آموزشی

دانشکده‌های کتابداری می‌شوند به طور معمول یک دوست کتابدار است. دوستی که اغلب وقت خود را صرف انجام امور عادی می‌کند و درک درستی از کارهای حرفه‌ای کتابداری نیز ندارد (The Conference on Library Education, 1948:26). همچنین در این کنفرانس عدم توفیق دانشکده‌های کتابداری برای پذیرش جوانان مستعد و ساعی مورد بحث قرار گرفت. ب. کرونین^{۱۱} اشاره به انتقاد مداومی که از کلیشه کتابدار صورت می‌گیرد دارد. او می‌نگارد که تغییر چنین کلیشه غیر مفیدی تلاش شگرفی را از سوی مدرسان و دانشکده‌های کتابداری می‌طلبد. وی همچنین بیان می‌دارد که علیرغم کوششهای زیادی که در سالهای اخیر از سوی دانشکده‌های کتابداری صورت گرفته است آنها فقط موفق شده‌اند داوطلبانی را از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به برنامه‌های خود جذب کنند (In a work edited by Chris, 1985: 22).

کوننت^{۱۲} بعد از مصاحبه‌هایی که با مدرسان کتابداری در دانشگاه‌های مختلف آمریکا انجام داد چنین اظهار نظر می‌کند که گرچه کیفیت دانشجویانی که اخیراً وارد برنامه‌های آموزش کتابداری شده‌اند نسبت به گذشته بهبود یافته است، اما در نگرش آنها نسبت به رشته کتابداری تغییرات مثبتی مشاهده نمی‌شود. مدرسان کتابداری از این که اغلب دانشجویان پذیرفته شده از رشته کتابداری به عنوان آخرین رشته مورد علاقه خود نام می‌برند ناخرسندند (5 - 43: 1980). اما در مقابل این ناخرسندی باید به این مشکل دانشکده‌های کتابداری نیز اذعان داشت که دانشجویان با استعدادی که وارد این دانشکده‌ها می‌شوند بزودی شوق خود برای انجام کار بیشتر را از دست می‌دهند.

11. B.Cronin .

12. R.Conant .

دانشجویان کتابداری، به خصوص آنهایی که در سطحی فراتر از کارشناسی به تحصیل می‌پردازند اغلب گله‌مندند که برنامه آموزشی فاقد توانایی لازم برای به تحرک در آوردن فعالیت‌های فکری در آنها می‌باشد.

جون لستر^{۱۳} بیان می‌دارد که بر اساس اظهارات انجمن کتابداران امریکا تأمین نیروی انسانی مورد نیاز کتابخانه‌ها و مؤسسات اطلاع رسانی از وظائف دانشکده‌های کتابداری می‌باشد. ولی این دانشکده‌ها زمانی می‌توانند چنین نیازی را جوابگو باشند که راه حلی برای مسئله انتخاب دانشجو پیدا نموده باشند. او می‌افزاید که کمبود داوطلب برای بعضی از زمینه‌های آموزشی و حذف بعضی از تخصص‌ها از مسائل آموزشی می‌باشند (1990: 584-86).

یکی از انتظارات حرفه‌ای از دانشکده‌های کتابداری آموزش دانشجویان برای انجام وظیفه مادام‌العمر در کتابخانه‌ها می‌باشد. اما آنچه دانشکده‌ها را از انجام این وظیفه بازمی‌دارد مدت کوتاهی است که دانشجویان در اختیار دانشکده‌ها می‌باشند. ام. اف. استیگ می‌گوید امکان آن هست که در زمان کوتاهی مطالب فشرده‌ای را به دانشجویان منتقل نمود اما این گونه آموزشها هرگز نمی‌توانند به سودمندی برنامه‌های آموزشی بلند مدت باشند. لذا از انصاف بدور است که از دانشکده‌های کتابداری انتظار معجزه داشته باشیم بخصوص زمانی که دانشجویانی با انگیزه‌های کم یا پائین وارد آنها می‌شوند.

ضوابط پذیرش دانشجو بستگی زیاد به محتوای برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی دارد. محتوایی که تا حد زیادی توسط احساسی که از کارایی فارغ‌التحصیلان در محیط کار می‌رود تعیین می‌شود. آیا لازم است که آنها فقط مبانی

عمومی کتابداری را بدانند و با کارهای مختلفی که در کتابخانه‌ها انجام می‌شود تنها در یک سطح کلی آشنا باشند. آموزش تخصص‌های مختلف تا چه حدی ضروری است و وظائف کار فرمایان در رابطه با آموزشهای ضمن خدمت و آموزشهای عملی حین کار چه می‌باشد. علاوه بر این وظیفه دانشکده‌های کتابداری در قبال آموزشهای مادام‌العمر چه می‌باشد؟ آیا دانشکده‌ها فقط در مقابل ارائه دانش و عمل مورد نیاز در بدو استخدام مسئول هستند یا رسالت آنها ارائه دانشهایی است که برای یک عمر کار در کتابخانه‌ها مورد نیاز است؟ (Stieg, 1992:19). استیگ وظیفه دانشکده‌های کتابداری را فقط آموزش مبانی اساسی کتابداری می‌داند و آموزشهای بلند مدت را بخاطر این که تحت تأثیر دگرگونیهای مختلف قرار می‌گیرد امکان پذیر نمی‌داند (19: 1992). دانشکده‌ها باید این حقیقت را به دانشجویان بیاوراند که احراز شایستگی جزئی از تمهیدات حرفه‌ای می‌باشد. لذا دانشجویان باید درک نمایند که گرچه دانشکده‌ها در ارائه بعضی از دوره‌های آموزشی مداوم توانا هستند اما اغلب دانشها و مهارتهای مورد نیاز باید توسط افراد حرفه‌ای شناسایی و فراگرفته شود (Stieg, 1992: 20).

داوطلبان تحصیل در دوره‌های دکتری کتابداری از انگیزه‌های متفاوتی برخوردار هستند و در میان آنها کمتر افرادی دیده می‌شود که دارای تمایل زیاد به انجام کارهای علمی باشند. این گروه از افراد چنانچه از دوره‌های دکتری فارغ‌التحصیل شوند معمولاً انگیزه کمی برای انجام تحقیق و انتشار نتایج آن را دارند. گروه دیگری از داوطلبان آنهایی هستند که از کارهای یکنواخت کتابخانه‌ها خسته شده‌اند و ادامه تحصیل در دوره دکتری و واجد شرایط شدن برای تدریس در دانشگاه را مفری برای دلزدگی از کار کتابداری می‌دانند. این گروه از افراد تدریس را تنها وظیفه مدرسان دانشگاهی می‌دانند. زمانی هم که آنها عهده‌دار چنین مسئولیتی شوند تنها قادرند که فنون کتابداری را

بیاوزند، مطالبی که حتی قبل از ورود به دوره دکتری توانایی تعلیم آن را دارا بودند. این گروه هنوز به اهمیت پژوهش پی نبرده‌اند و ایمانی هم به آن ندارند و نمی‌دانند که تدریس باید توسط تحقیق بارور شود. دوره‌های دکتری کتابداری در همه جای دنیا با داوطلبان کمی روبرو هستند و به طور معمول آنهایی هم که داوطلب می‌شوند در گروه دانشجویان برجسته‌ای که از دوره‌های کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شده‌اند نیستند (Rayward, 1983: 1316 - 17).

نتیجه گیری

علیرغم تلاشهای زیادی که انجام شده است دانشکده‌های کتابداری هنوز جزو واحدهای کوچک دانشگاهی محسوب می‌شوند. وابستگی نسبتاً زیاد به بازار کار کتابداران حرفه‌ای که از محدودیت‌های بسیار برخوردار است مانع از آن می‌شود که دانشکده‌های مربوطه بتوانند به گسترش فعالیت‌های خود همسان سایر رشته‌های حرفه‌ای پردازند. توجه بیش از حد به جنبه‌های عملی کار در کتابخانه‌ها چه در گذشته و چه در زمان حاضر که فعالیت‌های کتابخانه‌ها تحت سیطره رایانه‌ها قرار گرفته است برنامه‌های آموزشی را با فقدان محتوای جذاب و تفکر برانگیز روبرو کرده است. با وجود ارتباط متعددی که کتابداری حرفه‌ای با سایر دانشها دارد این ارتباطات ناشناخته و ضعیف باقی مانده است. لذا برای برنامه‌های آموزشی محتوایی جز تعلیم آنچه در کتابخانه‌ها می‌گذرد باقی نمانده است.

دور از انتظار است که دانشکده‌های کوچک کتابداری با برنامه‌های نسبتاً ضعیف قادر به استخدام مدرسان برجسته باشند. مسئله مهم دیگر آن است که در میان فارغ التحصیلان دانشکده‌های مذکور که اکثر آنها همان دانشجویان کم‌انگیزه گذشته می‌باشند آن تعداد افراد واجد شرایط وجود ندارد که بتوان از میان آنها دست به

گزینه‌های مناسب زد. به نظر می‌رسد راه نجات کاستن از وابستگی‌های حرفه‌ای و به تبع آن آزاد نمودن برنامه‌های آموزشی از عمل زدگی‌های مفرط باشد. توجه به مسائل کتابداری و کتابخانه‌ها از طریق انجام پژوهش‌های علمی توسط اعضای هیئت علمی و دانشجویان می‌تواند به غنای برنامه‌های آموزشی کمک نماید و در ضمن نشاط بیشتری به برنامه نیز ببخشد.

منابع

- Bookstein, A. "Library education, yesterday and today." Library Quarterly. 56(4, 1986): 363-68.
- Conant, R.W. The report: a study of the education of librarians. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press, 1980.
- Cronin, B. "On the outside looking in issues in education for librarianship and information science." In Information technology in the library /information school curriculum. Proceedings of the International conference on Information Technology in Library/Information School Curriculum. (London: Gower, 1985) : 9 - 24.
- Cronin, B. The transition years: new initiatives in the education of professional information work. London: Aslib, 1983.
- Danton, J.P. Education for librarianship: Criticism, dilemmas, and proposals. New York: School of Library Services, Columbia University, 1946.
- Gardner, R.K. "Library and information science education: the present state and future prospects." In Education of Library and information professionals: Present and future prospects. Ed. R.P. Gardner. (Littleton, Colorado: Libraries Unlimited, 1987): 32 - 53.
- Hayati, Z. "An Examination of Aspects of the History of Librarianship and Library Education in Iran." Ph.D. diss. The University of New South Wales, 1996.
- Lester, J. "Education for librarianship: a report card." American Libraries. (June, 1990): 581-86.
- Rayward, W.B. "Academic librarianship: The role of library schools." In Issues in academic librarianship: views and case studies for the 1980s and 1990s. Ed. P. Spyres-Duran and T.W. Mann Jr. (London: Green Press, 1985): 100 - 14.
- Rayward, W.B. "Conflicts, interdependence, mediocrity." Library Journal. (July 1983): 1313-17.
- Rayward, W.B. "Library Education, yesterday and today: research and education for library and information science: Waples retrospect." Library Quarterly. 56(4): 348 - 59.
- Rayward, W.B. "The problem of connections: education for the practice of librarianship." Journal of Librarianship. 16 (3, 1984): 151 - 68.
- Stieg, M.F. Change and challenge: in library and information science education. Chicago: ALA, 1992.
- Williamson, C.C. Training for library service: a report prepared for the Carnegie of New York. New York, 1923.